

مطالعه فرمی و ساختاری کتیبه‌های نستعلیق در مساجد قاجاری اصفهان و مقایسه آن با نمونه‌های مشابه صفوی*

احمد صالحی کاخکی^۱، فرهاد خسروی بیژانم^{۲*}، ملیکا یزدانی^۳

^۱دانشیار دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^۲دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^۳دانشجوی دکتری مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۲۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۸/۹)



چکیده

بسیاری از کتیبه‌های نستعلیق قاجار، توسط خوشنویسانی مانند آقا محمدباقر سمسوری و فتح‌الله جلالی، که در زمره پیروان میرعماد و محمد صالح اصفهانی به شمار می‌روند، نوشته شده است. اصلی‌ترین سوال این پژوهش این است که تحولات فرمی و ساختاری کتیبه‌های نستعلیق در مساجد قاجاری اصفهان چیست؟ بدین جهت، ضمن بررسی جامعه آماری مورد نظر، براساس روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی پسین، نتایجی چند حاصل شده است. مساجد سید، رحیم خان، رکن الملک، کرمانی و صفا، پنج مسجدی هستند که کتیبه نستعلیق در تزئینات آنها دیده می‌شود. مطالعه روند تاریخی اجرای این کتیبه‌ها، نشان دهنده وقفه طولانی مدت در اجرای کتیبه‌های نستعلیق در طول سده ۱۳ ه.ق است که این روند کند، با شتاب چشمگیری از نظر تعداد و تنوع، در اوایل سده ۱۴ ه.ق احیا شده است. تنوع رنگی، تزئین پس‌زمینه قاب‌بندی‌ها و نیز نوآوری در فرم قاب‌ها، از جمله تحولات نمونه‌های قاجاری در مقایسه با نمونه‌های صفوی است. نکته دیگر این که، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در زمینه اجرای کتیبه‌های قاجاری، نسبت به دوره صفوی دیده می‌شود. به عنوان مثال، در نمونه‌های مورد بررسی، از کتیبه‌های گچی استفاده نشده و غالب کتیبه‌ها به شیوه کاشی خشتی اجرا شده است.

واژه‌های کلیدی

کتیبه‌نگاری نستعلیق، خوشنویسان قاجار، مساجد اصفهان، تحولات فرمی.

*این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "بررسی مضامین، جایگاه و زمینه اجرای کتیبه‌های نستعلیق در مساجد دوره قاجار شهر اصفهان" است که با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه هنر اصفهان انجام گرفته است.

**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۵۵۶۲۲۴۷۷، نمابر: ۰۰۲۱-۳۶۲۶۲۰۰۳، E-mail: Farhadkhosravi121@yahoo.com

مقدمه

است که تا کنون مورد پژوهش مستقلی قرار نگرفته است. همچنین از آنجا که تالیفات حوزه خوشنویسی عموماً بر کتابت و نسخه‌های خطی استوار است، کتیبه‌نگاری به نوعی در سایه و حاشیه قرار گرفته که امید است با تحقیقاتی از این قبیل، این کمبود مشترک جامعه پژوهشی خوشنویسی و معماری، رفته رفته مرتفع گردد.

پرسش‌های پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

- چه تحولاتی در فرم کتیبه‌های نستعلیق در مساجد قاجاری اصفهان رخ داده و قابل مشاهده است؟
- ساختار کتیبه‌های نستعلیق مساجد قاجار اصفهان چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با نمونه‌های صفوی دارند؟

پژوهش پیش رو در زمره پژوهش‌های بنیادی قرار می‌گیرد که به شیوه توصیفی و تطبیقی، با جامعه آماری مورد نظر برخورد کرده است. جامعه آماری این پژوهش، محدود به مساجد دوره قاجار در شهر اصفهان است که حاوی کتیبه‌های نستعلیق باشند. در همین راستا، براساس پژوهش میدانی و مستندنگاری کتیبه‌ها، مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های فنی و تطبیقی، کتیبه‌های معرفی شده دسته‌بندی شده‌اند. روش نمونه‌گیری، طبقه‌بندی پسین^۱ بوده است.

با حمله افغان‌ها به ایران و انقراض سلسله صفوی، مکتب پرشکوه اصفهان آرام آرام رو به زوال گذاشت و تحولات اجتماعی و سیاسی فراوان، تغییرات ناخواسته‌ای را در این مکتب باعث گردید. بر پایه همین تحولات، می‌توان در اجرای کتیبه‌های نستعلیق شهر اصفهان، وقفه‌ای طولانی مدت را از دوران شاه سلطان حسین صفوی و بنای مدرسه چهارباغ، تا شکوه مجدد آن در دوره ناصری، به وضوح مشاهده کرد. شیوه‌ای که در تزیینات معماری مکتب اصفهان، وام‌دار میرعماد و پیروانش در نستعلیق بود، در دوره قاجار به شیوه آقا محمدباقر سمسوری و شاگردانش منتهی شد. در این پژوهش، پس از مطالعات کتابخانه‌ای در راستای شناسایی خوشنویسان برجسته نستعلیق قاجار، سعی شده است نمونه‌های شاخص موجود در مساجد این دوره در اصفهان، از جنبه‌های فرمی و ساختاری مورد بررسی قرار گیرد.

از جمله مواردی که می‌تواند ضرورت تحقیق پیش رو را بیان کند، نیاز جامعه خوشنویسی و معماری در شناخت تحولات فرمی و همچنین ساختار رایج کتیبه‌های نستعلیق به عنوان یکی از قلم‌های مورد علاقه در کنار قلم ثلث - در تزیینات معماری قاجار

پیشینه تحقیق

از کتب و مقالاتی که پیرامون کتیبه‌نگاری دوران قاجار نگاشته شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

لطف‌الله هنرفر (۱۳۵۰) در «گنجینه آثار تاریخی اصفهان»، کتیبه‌های بسیاری از بناهای اصفهان را قرائت نموده است. وی تنها به ذکر موردی آثار اکتفا نموده و مقایسه یا تطبیقی انجام نداده و همچنین در هیچ یک از مباحث این کتاب، خط نستعلیق محوریت نداشته است. ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی (۱۳۵۲) نیز در نگارش «آثار ملی اصفهان»، شیوه لطف‌الله هنرفر را پیش رو داشته و بسیاری از متون کتیبه‌های ابنیه اصفهان را بیان کرده است. حبیب‌الله فضائلی (۱۳۶۲) در «اطلس خط»، علاوه بر بیان سیر تحول خوشنویسی اسلامی منجمله نستعلیق، ضمن برشمردن نستعلیق نویسان بزرگ عهد قاجار، برخی از آثار کتیبه‌ای آنها را نیز معرفی کرده ولی با این حال، توجه آنچنانی به مضامین و ساختار کتیبه‌ها نداشته است. پژوهشی دیگر زیر نظر کامبیز حاجی قاسمی (۱۳۷۵) تحت عنوان «مساجد اصفهان» صورت گرفته که هدف آن، معرفی کلی بنا با ذکر مختصری از کتیبه‌های تاریخی مساجد است. این کتاب با دیدگاهی معمارانه نوشته شده و طبیعتاً بررسی‌های خوشنویسانه در آن جایگاهی ندارد.

منوچهر قدسی (۱۳۷۸) در «خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان»، بخشی از آثار نستعلیق در کتیبه‌های قاجاری اصفهان را معرفی نموده و در ابتدای کتاب نیز شرح حالی از هنرمندان کتیبه‌نویس اصفهان

ارائه داده است. ایشان کتیبه‌های اصفهان را به صورت گزینشی معرفی کرده و علاوه بر آن، درباره مفاهیم و مضامین کتیبه‌ها بحثی نکرده است. منصور دادمهر (۱۳۷۸)، پژوهشی پیرامون «سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان» داشته که در بخشی از آنها به سنگاب‌های کتیبه‌دار قاجار اشاره کرده است. از آنجا که تحقیق وی فقط سنگاب‌ها را بررسی و معرفی کرده است، به سایر کتیبه‌ها اشاره نکرده و نیز محوریت نستعلیق هم در این کتاب دیده نمی‌شود. همچنین می‌توان از مقاله باوند بهپور (۱۳۸۴) نام برد که «کتیبه‌نگاری دوره قاجار»، را در هشت بنای شیراز و اصفهان مد نظر قرار داده است. البته بیشتر توجه وی در این مطلب، به کتیبه‌های ثلث و شیوه نگارش آنها بوده و در ضمن مطالب، گذری هم بر کتیبه‌های نستعلیق داشته است. محمود ماهرالنقش (۱۳۸۶) کتاب جامعی تحت عنوان «معماری مسجد سید اصفهان» منتشر نموده که سیر تاریخی کامل این بنا را بیان کرده است. ایشان ضمن شرح حال کامل بانی و چگونگی ساخت مسجد، آرایه‌های معماری این بنا را به تفصیل معرفی نموده و بخشی از مطالب کتاب نیز به شرح کتیبه‌های بنا اختصاص یافته است. خوانش کامل و توضیح دقیق کتیبه‌های مسجد سید بر نکته‌های مثبت این کتاب افزوده است. در پژوهشی متاخر، محمدرضا بمانیان و همکاران (۱۳۹۰)، در بررسی تطبیقی نقوش مسجد سید و مدرسه چهارباغ، اشاره کوتاهی به کتیبه‌های نستعلیق این دو بنا داشته که البته با ذکر چند جمله از آن عبور کرده‌اند.

۱- نستعلیق در کتیبه‌نگاری

نفیس دیوان‌های شعر است. ظرافت و پیشرفت فوق‌العاده نگارگری و تذهیب، نیازمند خطی بود تا از نظر فرم با آن هماهنگی داشته باشد. احتمالاً یکی از دلایل عمده پیدایش خط نستعلیق، سعی در هرچه زیباتر نوشتن اشعار فارسی و آراستن کتب بوده است (آژند، ۱۳۸۳، ۲۷؛ جباری، ۱۳۸۷، ۸۱). به طور خلاصه، تاثیر متقابل خلق آثار بدیع معماری، نگارگری و نقوش هندسی بر شکل‌گیری و اعتلای نستعلیق را نمی‌توان نادیده گرفت (بختیاری، ۱۳۶۴، ۱۳۵). یکی از این تاثیرات در کتیبه‌نگاری، تغییر شکل کادر کتیبه‌ها از چهارگوش به ترنج، در راستای هماهنگ شدن بیشتر با قلم نستعلیق بوده که بدین منظور، شکل قاب‌ها به سمت انحنای بیشتر پیش رفته است (تصویر ۱).

با توجه به میزان دور در قلم نستعلیق (۵ دانگ)، بدیهی است که میزان دور و انحنا در فضای منفی نیز تابع همین نسبت است و هنرمندان کتیبه‌نگار، آگاهانه این فضای منفی را هم‌راستا و در کنار فضای مثبت، با انحنای کادر هماهنگ کرده‌اند. حُسن وضع، حُسن همجواری و حُسن ترکیب در نگارش نستعلیق وقتی به صورت کتیبه اجرا می‌گردد، با مولفه دیگری به نام حُسن منظر نیز پیوند برقرار می‌کند؛ منظری که کتیبه در آن قرار گرفته است. در واقع، علاوه بر شکل ظاهری قاب؛ حُسن منظر کتیبه با رنگ، اندازه و نسبت آن با محیط قرارگرفتن نیز ارتباط دارد.

قدیمی‌ترین کتیبه نستعلیق رقم‌دار به خط سلطان علی مشهدی در آرامگاه اجداد سلطان حسین بایقرا در گازرگاه هرات است که تاریخ ۸۸۲ هـ.ق را بر خود دارد (قمی، ۱۳۸۳، ۶۴؛ اوکین، ۱۳۸۶، ۶۰۰؛ قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲، ۱۱۵؛ آژند، ۱۳۸۳، ۳۶). به بیانی واضح‌تر، کتیبه‌نگاری نستعلیق، با رقم سلطان علی مشهدی بر همین کتیبه، رسمیت می‌یابد. کتیبه‌نویسی نستعلیق که در اواسط عهد تیموری آغاز شد، در دوره صفوی توسط هنرمندانی چون مالک دیلمی، میرعماد، علیرضا عباسی و محمد صالح اصفهانی؛ به اوج رسید و به خوشنویسان دوره قاجار سپرده شد.

از نیمه دوم قرن هفتم هجری در ایران، قلم نسخ که خط تحریر معمول آن روزگار بود، به واسطه تندنویسی و تحت تاثیر خط تعلیق، دور بیشتری نسبت به گذشته پیدا کرد و بسیاری از کتاب‌های فارسی قرن هفتم به این قلم نوشته شده است (جباری، ۱۳۸۷، ۷۸). بر اساس منابع، میرعلی تبریزی در دوره آل جلایر، بنا به ضرورت زمان به زیباسازی نستعلیق پرداخت. شاید به دلیل هماهنگی با زیبایی نگاره‌ها، تذهیب و تشعیر کتب شعر و ادب که در این دوره مورد علاقه حاکمان بود، نستعلیق ابداع شد و پیشرفت کرد (آژند، ۱۳۸۳، ۲۷). بعد از میرعلی، دریافت شخصی دیگر اساتید برجسته خوشنویسی در به کار بستن این اصول و قواعدی مانند حُسن تشکیل، حُسن وضع و حُسن همجواری، موجب پدید آمدن تفاوت‌هایی در شیوه نگارش نستعلیق شد. «حُسن تشکیل» همان قالب و اندام حروف و کلمات است یا به عبارتی شاکله و ساختار هندسی کلمات. «حُسن وضع»، به چیدمان حروف و کلمات بر کرسی اطلاق می‌شود و «حُسن همجواری»، ترکیب حروف و کلمات و چگونگی قرارگیری آنها کنار یکدیگر است (امیرخانی، ۱۳۷۴، ۶؛ قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳، ۱۷۶). نکته قابل ذکر دیگر درباره کیفیت و زیبایی‌شناسی نستعلیق آن است که، برخلاف قلم‌های متنوع کوفی و اقلام سته، کرسی افقی نستعلیق به شکل منحنی است. به گونه‌ای که حروف و کلمات در ابتدا و انتهای سطر، بالاتر از دیگر حروف و کلمات قرار می‌گیرند (ایران‌پور و شیرازی، ۱۳۹۲، ۲۱).

در سده نهم هجری، خوشنویسی بر دیگر مولفه‌های هویت ایرانی مثل تذهیب، نگارگری، معماری و سایر هنرهای سنتی برتری یافت و مهم‌تر آن که توانست به تعادل خوبی بین قالب و محتوا دست یابد (عابدین‌پور و سمائی، ۱۳۸۹، ۷۵). نکته مهمی که در مطالعه سیر تکوین نستعلیق باید بدان توجه داشت، تاثیر همین هنرهای نگارگری، تذهیب، تشعیر و تولید نسخه‌های



تصویر ۱- تفاوت عمده در قاب بندی کتیبه‌های ثلث و نستعلیق.

کتیبه ثلث به خط محمد تقی اصفهانی و کتیبه نستعلیق به خط طرب بن هما، مسجد رکن الملک اصفهان.

۲- خوشنویسان برجسته نستعلیق اصفهان در دوره قاجار

۱-۲- آقا محمدباقر سمسوری

از استادان برجسته قرن ۱۳ ه.ق و هم‌عصر فتحعلی‌شاه (حکومت ۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق)، محمدشاه (حکومت ۱۲۵۰-۱۲۶۴ ه.ق) و ناصرالدین‌شاه (حکومت ۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق) است. وی از شاگردان مکتب میرعماد بوده و کمتر کسی به خوبی او قطعات این استاد بزرگ را تقلید کرده است (بیانی، ۱۳۶۳، ۶۵۵؛ فضایی، ۱۳۶۲، ۵۷۲). تاریخ زندگی وی دقیقاً مشخص نیست. مهدی بیانی اعتقاد دارد وی تا ۱۲۴۷ ه.ق می‌زیسته (بیانی، ۱۳۶۳، ۶۵۵) ولی از آنجا که لوح قبر همسر فتحعلی‌شاه در تخت فولاد اصفهان به خط محمد باقر به تاریخ ۱۲۶۲ ه.ق موجود است، به یقین حداقل تا این زمان در قید حیات بوده است. این مقبره امروزه به بنای "مادر شاهزاده" معروف است.

۲-۲- عبدالرحیم افسر

شاعر و خوشنویس هم‌عصر ناصرالدین‌شاه و فرزند میرزا محمدعلی مسکین، شاعر اصفهانی است که به احتمال زیاد در خدمت آقا محمد باقر تعلیم خط دیده و در ۱۳۱۵ ه.ق درگذشته است (قدسی، ۱۳۷۸، ۹۳). بنابر شرح حالی که از افسر نقل کرده‌اند، از خوشنویسان بنام دوره ظل‌السلطان در اصفهان بوده که خط نستعلیق را شیرین می‌نوشته و شاگردان زیادی داشته است. از نمونه آثار کتیبه‌ای وی می‌توان به کتیبه آب انبار مسجد مصلای اصفهان و مقبره کثیرالانوار در شهرضا (قمشه) اشاره کرد (همان، ۹۴؛ فضایی، ۱۳۶۲، ۵۷۶).

۳-۲- میرزا فتح‌الله خان جلالی

شاعر و خوشنویس زبردست و صاحب نام اواخر قاجاریه در اصفهان، فرزند و شاگرد عبدالرحیم افسر بوده که در سال ۱۳۳۶ ه.ق درگذشته است (فضایی، ۱۳۶۲، ۵۸۰). وی مردی عارف مسلک و مشرف به فقر و مرید مشایخ سلسله جلیله گنابادی بود (قدسی، ۱۳۷۸، ۹۷). آثار کتیبه‌ای وی در مسجد سید اصفهان، مسجد صفا (مسجد حاجی سید جواد) و سردر تکیه حاج محمد جعفرآبادی (جنب مسجد رکن‌الملک) موجود است (بیانی، ۱۳۶۳، ۵۶۴).

۴-۲- طرب ابن همای شیرازی

سومین فرزند همای شیرازی شاعر و خود نیز شاعر و خوشنویس بوده است. وی از شاگردان عبدالرحیم افسر به شمار می‌رود و مدت‌ها از روی خط میرعماد، محمد صالح و آقا محمدباقر مشق کرده است. کتیبه‌های اطراف صحن مسجد رکن‌الملک از آثار اوست (فضائی، ۱۳۶۲، ۵۸۰). از دیگر کتیبه‌های وی می‌توان به کتیبه‌های سردر مسجد رکن‌الملک، تیمچه ملک در بازار اصفهان، سردر مسجد کرمانی و لوح مزار حاج محمد ابراهیم ملک‌التجار اصفهانی در انگورستان ملک اشاره کرد (قدسی، ۱۳۷۸، ۱۰۳). طرب ابن هما در ۱۲۷۶ ه.ق تولد و در

۱۳۳۰ ه.ق وفات یافته است (همان، ۹۹).

۵-۲- آقا میرزا اسدالله رجالی

از شاگردان سرشناس افسر و فتح‌الله خان به شمار می‌رود که چند کتیبه مسجد سید را نوشته است. به نظر منوچهر قدسی، خط وی در پختگی، تیز و تندی و سطر بندی به اسلوب، وی بر خط عبدالجواد؛ شاگرد دیگر فتح‌الله خان، رجحان دارد (همان، ۹۹). وفات رجالی در ۱۳۷۲ ه.ق در ۹۰ سالگی اتفاق افتاده است (همان، ۱۰۷).

۶-۲- میرزا عبدالجواد خطیب

خطیب، شاعر، خوشنویس و شاگرد فتح‌الله خان جلالی است که از خطوط کتیبه‌ای وی می‌توان به سردر شمالی مدرسه صدر بازار اشاره کرد (فضائی، ۱۳۶۲، ۵۸۰). وی که از ۱۲۷۹ ه.ق تا ۱۳۵۹ ه.ق می‌زیسته، در قلم نسخ نیز از اساتید به شمار می‌رفته و در سرودن ماده تاریخ تحریر داشته است (مهدوی، ۱۳۴۴، ۱۸۰). از دیگر آثار کتیبه‌ای وی می‌توان سردر مسجد رکن‌الملک و کتیبه سردر آب انبار کازرونی تخت فولاد را نام برد که شعر آن را نیز خود سروده است (قدسی، ۱۳۷۸، ۱۰۵).

۳- کتیبه‌های نستعلیق مساجد شاخص دوره قاجار در اصفهان

۱-۳- مسجد سید^۲

۱-۱-۳- اسپر ایوان قبله: شعری فارسی، در ده قاب جداگانه اجرا شده که بیت آخرین شعر، حاوی ماده تاریخی بدین شرح است: چو شد معمور این معبد هلال از بهر تاریخش / بگفتا شد بنای کعبه ثانی باصفاهان [۱۲۵۵ ه.ق]. به اعتقاد منوچهر قدسی این کتیبه اثر آقا محمدباقر سمسوری است (قدسی، ۱۳۷۸، ۸۴ و ۱۸۳).

۲-۱-۳- درون محراب اصلی: سه قطعه کاشی برجسته بدون تاریخ و رقم، با متن "یا مجیب الدعوات یا الله".

۳-۱-۳- اسپر ایوان شمالی: شعری فارسی در چهار بیت، به خط اسدالله رجالی در سنین جوانی (قدسی، ۱۳۷۸، ۱۰۷) و حاوی ماده تاریخ در بیت آخر است: بدان از پی اتمام تاریخش خرد گفتا / پدیدار آمده رکنی دگر بر کعبه دیگر". رقم‌های موجود در این کتیبه این گونه است: "عمل آقا جان کاشی پزغفر له" و دیگری: "کتبه الاحقر اسدالله غفر له و ستر ذنوبه ۱۳۰۸".

۴-۱-۳- ایوان شمال شرقی: بردیوار انتهایی این ایوان که در آن سوی آن بقعه سید محمدباقر واقع گردیده، هشت بیت به زبان عربی در شانزده قاب اجرا شده است. قاب پایانی حاوی تاریخ ۱۳۱۳ و ماده تاریخ: "هنا مصرع الحلم و القدس و التقی" است. این کتیبه به خط اسدالله رجالی است (همان، ۱۹۱).

۵-۱-۳- راهروی شمال غربی: اشعاری به زبان عربی به خط اسدالله رجالی موجود است. متن این کتیبه که تاریخ ۱۳۱۸ ه.ق دارد، در هفده قاب متوالی نوشته شده و در قاب پایانی این‌گونه آمده است: "عبده العاصی اسدالله رجالی غفر ذنوبه".

هشتی موجود است که سی و شش تای آن، در دوردیف و چهار قاب دیگر در طرفین در ورودی، اجرا شده است. با توجه به رقم کتیبه، شاعر و خوشنویس آن؛ طرب بن هما است. متن دو قاب پایانی بدین شرح است: «گشت ملهم طرب از غیب به تاریخش و گفت / تازه شد مسجد اقصی ز سلیمان زمان، قایله و راقمه طرب ابن هما ۱۳۲۱».

۳-۲-۸- اسپر سردر ورودی هشتی: بر طرفین ورودی و روی اسپرها به فاصله حدود دو و نیم متر از سطح زمین، دو قطعه کاشی بسیار زیبا و شبیه یکدیگر خودنمایی می‌کند. این کاشی‌های هفت رنگ در ابعاد تقریبی ۴۰×۳۰ سانتی‌متر، حاوی ده قاب نستعلیق در اطراف تصویر رکن‌الملک است که رقم "عمل میرزا عبدالجواد" در یک قاب کوچک در قسمت پایین و میانی آن به چشم می‌خورد. در قاب پایانی ماده تاریخ: خلف گو "رب عاملنا بفضلک" و تاریخ آن "۱۳۲۶" قید شده است.

۳-۲-۹- هشتی ورودی: سمت چپ هشتی ورودی اتاقی است که مقبره رکن‌الملک در آن قرار گرفته و بر بالای ورودی این اتاق شعری در شش قاب نقش بسته است. این کتیبه بدون رقم در سال ۱۳۳۱ ه. ق اجرا شده و محتوی ماده تاریخ زیر است: «عوری گفت بهر تاریخش / شد به جنت مقام رکن‌الملک».

۳-۲-۱۰- سردر ورودی اصلی مسجد: بر سرتاسر حاشیه هلال ایوان ورودی بیست قاب متوالی موجود است که رقم و تاریخ ندارد ولی با محاسبه عددی ماده تاریخ آن، سال ۱۳۲۱ ه. ق به دست می‌آید: رقم از کلک هدهد سلك طغرل زد بتاریخش / بنای مسجد اقصا مبارک شد سلیمان را».

۳-۲-۱۱- سردر تکیه حاج محمد جعفر آباده‌ای (مدرسه علمیه رکن‌الملک): بر سردر این مدرسه که در مجاورت مسجد رکن‌الملک قرار گرفته، خط میرزا فتح‌الله جلالی خودنمایی می‌کند. این کتیبه که در ده قاب (نه قاب متوالی و قاب پایانی در بالای آنها) اجرا شده، تاریخ ندارد ولی با احتساب حروف ابجد، ماده تاریخ آن: بهر تاریخش بزر جعفری طغرل نوشت / "از سلیمانست دین جعفری محکم اساس" سال ۱۳۱۶ ه. ق به دست می‌آید. تکنیک اجرای آن کاشی هفت رنگ است که متن آن را به رنگ سفید بر زمینه لاجورد نگاشته‌اند.

۳-۳-۳- مسجد کرمانی^۴

۳-۳-۱- سردر ورودی مسجد: متن کتیبه سردر ورودی آن در هجده مصرع بر هجده کاشی هفت رنگ نقش بسته است. این کتیبه رقم ندارد، با این حال، استاد قدسی، شعر و خط آن را از طرب بن هما (قدسی، ۱۳۷۸، ۱۰۳) و استاد هنرفر شعر آن را از بانی مسجد (ملاحسین کرمانی) می‌داند و احتمال می‌دهد کتیبه نیز به خط خود وی باشد (هنرفر، ۱۳۵۰، ۸۳۷). بیت پایانی این شعر چنین است: خواستم تاریخش از مفتی عصر / در جوابم گفت "از رضوان بی‌رس" ۱۳۲۹. نکته قابل توجه و نادر در نگارش این کتیبه، این است که در سه قاب آن، توضیح برخی کلمات به صورت قاب‌های کوچکی بالای قاب اصلی اجرا شده‌اند (تصویر ردیف ۱۲ در جدول ۲).

۳-۱-۶- مهتابی‌های طبقه فوقانی: کتیبه‌هایی بر سردر حجره‌های اطراف صحن مسجد موجود است که رقم و تاریخ ندارند و از نظر تکنیک اجرا با بقیه کتیبه‌های نستعلیق مسجد تفاوت دارند. این سی و دو قاب، بر بالای شانزده در چوبی قرار گرفته و با کاشی معرق اجرا شده‌اند.

۳-۲-۲- مسجد رکن‌الملک^۲

۳-۲-۱- داخل شبستان قبله: بر اطراف چهار سرستون سنگی مربع شکل، شعری فارسی در شانزده قاب به صورت برجسته حجاری و با رنگ سیاه رنگ‌آمیزی شده است. متن کتیبه درباره بنای مسجد و یکی از ابیات آن بدین شرح است: "چون ز رکن‌الدین و الملك آن سلیمان دوم / شد بنای مسجد اقصی هدی للمتقین". به علت موقعیت مکانی خاص کتیبه، خواندن ابیات پایانی، یافتن رقم و تاریخ بسیار مشکل بود. به نقل لطف‌الله هنرفر، تمامی این چهار سرستون حاوی ماده تاریخ است (هنرفر، ۱۳۵۰، ۸۱۹).

۳-۲-۲- سردر شبستان قبله: اشعاری فارسی در بیست قاب متوالی که از این تعداد، امروزه چهار قاب به واسطه نصب در چوبی ورودی شبستان، درون شبستان قرار گرفته است. متن دو قاب پایانی کتیبه بدین شرح است: با درون کلک ادیب آورد و تاریخش نوشت / "ساز شد بیت المقدس از سلیمان زمان ۱۳۱۹". این کتیبه رقم ندارد.

۳-۲-۳- اطراف حیاط مرکزی: شعری طولانی در صد و هجده قاب متوالی به خط طرب بن هما اجرا شده است. زمینه قاب بندی‌ها با اسلیمی‌های رنگارنگ مزین شده و در حد فاصل قاب‌های نستعلیق، کتیبه‌هایی به قلم ثلث سفید بر زمینه لاجوردی ساده آمده که حاوی اسامی اعظم است. بیت آخرین قصیده این‌گونه است: سرز بنا عقل کرد داخل و گفتا / "شد ز سلیمان تمام مسجد الاقصا". رقم "کتبه طرب ابن هما ۱۳۲۴" در قاب پایانی دیده می‌شود.

۳-۲-۴- لچک ایوان قبله: در دو قاب که در طرفین ایوان قرار گرفته‌اند، کتیبه‌ای به رنگ سیاه بر زمینه زرد، اجرا شده است که تاریخ و رقم ندارد. در قاب سمت راست ایوان "و انه بسم الله الرحمن الرحيم" و در قاب سمت چپ "انه من سلیمان" نوشته شده است. عبارت "انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحيم" آیه شریفه ۳۰ از سوره مبارکه نمل است.

۳-۲-۵- لچک ایوان شمالی: بسیار شبیه کتیبه‌های لچک ایوان قبله است با این تفاوت که در کتیبه‌های ایوان شمالی، پس زمینه زرد رنگ با نقوش اسلیمی تزئین شده است.

۳-۲-۶- سنگ سردر آب انبار: آب انبار مسجد داخل مدرسه رکن‌الملک در مدخل مسجد قرار دارد و ساختمان آن مربوط به سال ۱۳۲۵ ه. ق، پس از اتمام ساخت مسجد است. عبدالجواد خطیب در تاریخ آن، قطعه‌ای در چهار بیت سروده که بر سنگ مرمری به ابعاد تقریبی ۴۰×۶۰ سانتی‌متر، در هشت سطر و شاید به خط خود وی حجاری شده است. متن دو سطر پایانی این کتیبه این گونه است: «میجست خطیب از غیب تاریخ که ذوقش گفت / این صرح مژمرد نیز بنیان ز سلیمان شد سنه ۱۳۲۵».

۳-۲-۷- سردر ورودی هشتی: جمعاً چهل قاب بندی در سردر

۳-۴- مسجد رحیم خان^۵

۳-۴-۱- اسپر ایوان قبله: شعری فارسی در ده قاب بندی بر اسپرهای طرفین ایوان جنوبی، اجرا شده است. این کتیبه به خط حسن خان نوشته شده و متن قاب پایانی آن حاوی رقم و ماده تاریخ بدین شرح است: "مسجد اقصی بنا نهاده سلیمان کتبه حسن خان ۱۳۰۴". مهدی بیانی چند نستعلیق نویس را با نام حسن خان معرفی نموده (بیانی، ۱۳۶۳، ۱۳۶-۱۴۱) که با توجه به تاریخ اجرای کتیبه (۱۳۰۴ ه. ق) با کتیبه نویس مورد نظر تطابق ندارند.

۳-۵- مسجد صفا^۶

۳-۵-۱- سردر ورودی: در بالای در ورودی مسجد صفا، علاوه بر کتیبه‌ای که به قلم ثلث نگاشته شده، اشعار و عباراتی نیز به زبان فارسی و با قلم نستعلیق مشکی برزمینه کاشی خشتی زرد رنگ با تاریخ ۱۲۸۹ ه. ق نوشته شده که بدین شرح است:
بنا شد چو این مسجد با صفا
به عون خداوند رکن و حطیم
ز پرتو بتاریخ آن شد سوال
بگفتا «لساعیه فوز عظیم» ۱۲۸۹
در دو قاب بندی کوچک اطراف این سطر چنین آمده است:
"نمقه محمد تقی" و دیگری: "عمل آقاخان".
در کتاب احوال و آثار خوشنویسان، ۱۳ خوشنویس به نام

جدول ۱- کتیبه‌های نستعلیق در مساجد قاجار اصفهان.

ردیف	شماره در متن	مکان	تاریخ هـ ق	ماده تاریخ	تکنیک اجرا	رنگ متن	رنگ زمینه	مضمون کتیبه	خوشنویس	کاشی ساز
۱	۲-۱-۳	مسجد سید	-	-	کاشی برجسته	زرد	صورتی	دعای عربی	-	-
۲	۶-۱-۳	مسجد سید	-	-	کاشی معرق	سفید	لاجورد	شعر فارسی	-	-
۳	۱-۲-۳	مسجد رکن الملک	-	-	حجاری	سیاه	-	شعر فارسی	-	-
۴	۴-۲-۳	مسجد رکن الملک	-	-	کاشی هفت رنگ	سیاه	زرد	آیه قرآن	-	-
۵	۵-۲-۳	مسجد رکن الملک	-	-	کاشی هفت رنگ	سیاه	زرد	آیه قرآن	-	-
۶	۱-۱-۳	مسجد سید	۱۲۵۵	دارد	کاشی هفت رنگ	سفید	لاجورد	شعر فارسی	محمد باقر سمسوری	-
۷	۱-۵-۳	مسجد صفا	۱۲۸۹	دارد	کاشی هفت رنگ	سیاه	زرد	شعر فارسی	محمد تقی آقاخان	-
۸	۱-۴-۳	مسجد رحیم خان	۱۳۰۴	دارد	کاشی هفت رنگ	سفید	لاجورد	شعر فارسی	حسن خان	-
۹	۳-۱-۳	مسجد سید	۱۳۰۸	دارد	کاشی هفت رنگ	سفید	لاجورد	شعر فارسی	اسدالله رجالی	آقاخان کاشی‌پز
۱۰	۴-۱-۳	مسجد سید	۱۳۱۳	دارد	کاشی هفت رنگ	سفید	لاجورد	شعر عربی	اسدالله رجالی	-
۱۱	۱۱-۲-۳	مسجد رکن الملک	۱۳۱۶	دارد	کاشی هفت رنگ	سفید	لاجورد	شعر فارسی	فتح الله جلالی	-

محمدتقی معرفی شده‌اند (همان، ۶۶۶-۶۷۰) که با توجه به تاریخ کتیبه مسجد صفا (۱۲۸۹ ه. ق) می‌تواند محمد تقی، حاج میرزا محمدتقی دبیرالدوله، محمدتقی توپسرکانی، محمدتقی شیرازی و یا محمدتقی کاتب السلطانی باشد.

در پایان، در راستای طبقه بندی کتیبه‌ها و سهولت مطالعات تطبیقی، خلاصه‌ای از نتایج بررسی نمونه‌های معرفی شده در جدول ۱ ارائه می‌گردد. در بیان نتایج، ترتیب تاریخی کتیبه‌ها مدنظر قرار گرفته است. در ادامه، نتایج مقایسه تصویری کتیبه‌های نستعلیق مساجد قاجار و صفوی، در جدول ۲ قابل مشاهده است. در توضیح تصاویر و مطالب جدول ۲ باید به این نکات توجه داشت که در دوره قاجار، در مقایسه با کتیبه‌نگاری نستعلیق دوره صفوی، نسبت استفاده از کاشی هفت رنگ در کتیبه‌ها به شدت افزایش یافته است. در آثار به جای مانده از دوره صفوی در اصفهان، غلبه با حجاری و گچ‌بری است، در حالی که در دوره قاجار، کاشی هفت رنگ با اختلاف چشمگیری در صدر است. از طرفی، برخی از شیوه‌های اجرایی رایج دوره صفوی، در جامعه آماری این دوره دیده نمی‌شود. به عنوان مثال، شیوه‌های اجرایی خاتم، منبت، گچ‌بری و قلم‌زنی که در کتیبه‌نگاری نستعلیق صفوی دیده می‌شود (مکی نژاد، ۱۳۸۶، ۹۱-۹۲؛ خسروی بیژانم، ۱۳۹۲، ۶۰۸؛ خسروی بیژانم، ۱۳۸۶، ۱۱۱)؛ در مساجد دوره قاجار اصفهان به چشم نمی‌خورد.

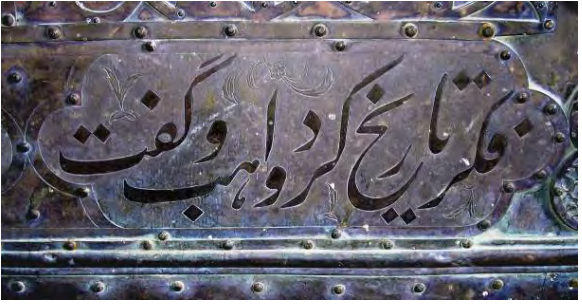



ادامه جدول ۱.

۱۲	۵-۱-۳	مسجد سید	۱۳۱۸	دارد	کاشی هفت رنگ سفید	لاجورد	شعر عربی	اسدالله رجالی	-
۱۳	۲-۲-۳	مسجد رکن الملک	۱۳۱۹	دارد	کاشی هفت رنگ سفید	لاجورد	شعر فارسی	-	-
۱۴	۷-۲-۳	مسجد رکن الملک	۱۳۲۱	دارد	کاشی هفت رنگ سفید	لاجورد	شعر فارسی	طرب ابن هما	-
۱۵	۱۰-۲-۳	مسجد رکن الملک	۱۳۲۱	دارد	کاشی هفت رنگ سفید	لاجورد	شعر فارسی	-	-
۱۶	۳-۲-۳	مسجد رکن الملک	۱۳۲۴	دارد	کاشی هفت رنگ سفید	لاجورد	شعر فارسی	طرب ابن هما	-
۱۷	۸-۲-۳	مسجد رکن الملک	۱۳۲۴	دارد	کاشی هفت رنگ سیاه	سفید	شعر فارسی	عبدالجواد خطیب	-
۱۸	۶-۲-۳	مسجد رکن الملک	۱۳۲۵	دارد	حجاری	-	شعر فارسی	عبدالجواد خطیب	-
۱۹	۱-۳-۳	مسجد کرمانی	۱۳۲۹	دارد	کاشی هفت رنگ سفید	لاجورد	شعر فارسی	طرب ابن هما	-
۲۰	۹-۲-۳	مسجد رکن الملک	۱۳۳۱	دارد	کاشی هفت رنگ سفید	لاجورد	شعر فارسی	-	-

جدول ۲- مقایسه فرمی کتیبه‌های در مساجد صفوی و قاجار اصفهان.

کتیبه‌های نستعلیق در مساجد صفوی	کتیبه‌های نستعلیق در مساجد قاجاری
 <p>ایوان شرقی مسجد آفا نور، ۱۰۲۴ هـ.ق</p>	 <p>راهروی شمال شرقی مسجد سید، ۱۲۱۳ هـ.ق</p>
<p>شباهت‌های کتیبه‌نگاری این دو دوره در رنگ‌بندی رایج (متن سفید بر زمینه لاجورد) قابل مشاهده است. همچنین در هر دو مورد، از ریزنقش‌های گیاهی برای تزیین زمینه استفاده شده است. از طرفی، میزان وفاداری به تزیینات اسلیمی در اطراف قاب بندی صفوی، بیشتر است. تنوع فرم و رنگ در نمونه قاجار، رنگ و بوی جدیدتری به فضای اطراف کتیبه بخشیده است.</p>	
 <p>بخشی از کتیبه حجاری مسجد مصری، ۱۰۶۱ هـ.ق</p>	 <p>بخشی از کتیبه آب انبار مسجد رکن الملک، ۱۲۲۵ هـ.ق</p>
<p>حجاری برجسته، شیوه‌ای است که در هر دو دوره مورد استفاده قرار گرفته ولی کمیت و کیفیت آن در دوره صفوی به مراتب بیشتر از قاجار است. شباهت نمونه موجود در جامعه آماری پژوهش حاضر با نمونه‌های صفوی، رنگ‌آمیزی سطوح برجسته با رنگ سیاه است. برتری میزان به کار بردن حجاری در مساجد صفوی نسبت به قاجار کاملاً مشهود است.</p>	

ادامه جدول ۲.

<p>کتیبه فلزی (نقره طلاکاری شده) از جمله شیوه‌هایی است که نمونه قاجاری آن در جامعه آماری این تحقیق دیده نشده است.</p>	 <p>پایین لنگه چپ در ورودی مسجد امام، ۱۰۴۶ هـ.ق</p>	۳
<p>یکی از شیوه‌های موجود در نمونه‌های صفوی، قلمزنی برجسته است که باز هم نمونه مشابه قاجاری ندارد. کتیبه مسجد چهارباغ نسبت به مسجد امام، برجستگی چشمگیری دارد. این نمونه هم مثل نمونه فوق با روکشی از طلا پوشیده شده است.</p>	 <p>بالای لنگه چپ در ورودی مسجد- مدرسه چهارباغ، ۱۱۱۹ هـ.ق</p>	۴
 <p>سردر جنوب شرقی مسجد سید، ۱۳۱۱ هـ.ق</p>	 <p>سردر مسجد حکیم، ۱۰۶۷ هـ.ق</p>	۵
<p>وفاداری به اصول طراحی سنتی و همچنین پرکارتر بودن تزیینات اطراف قاب‌بندی، در نمونه صفوی نسبت به قاجار مشهود است. به‌کارگیری رنگ سبز در فضای اطراف قاب، از نوآوری‌های رنگی قاجاری است که مشابه صفوی ندارد.</p>		
 <p>سردر حجره‌های مهتابی غربی مسجد سید</p>	 <p>ایوان ورودی مسجد - مدرسه چهارباغ</p>	۶
<p>کاشی معرق از شیوه‌هایی است که در هر دو دوره برای کتیبه‌نگاری نستعلیق در مساجد اصفهان به کار رفته است. قابل ذکر است که فقط همین یک نمونه در دوره قاجار قابل رویت است. ولی در دوره صفوی، نمونه‌های دیگری نیز دیده می‌شود. نکته قابل ذکر دیگر این که در رنگ‌بندی زمینه نمونه‌های صفوی، رنگ سیاه به چشم می‌خورد که نه در کاشی معرق و نه در شیوه‌های اجرایی دیگر دوره قاجار نیز مشابه رنگی ندارد.</p>		

 <p>طرفین ایوان مسجد رحیم خان، ۱۳۰۴ هـ.ق</p>	 <p>هشتی ورودی مسجد - مدرسه چهارباغ، ۱۱۱۹ هـ.ق</p>	۷
<p>کاشی خشتی هفت رنگ، مهم‌ترین شیوه اجرای کتیبه‌ها در هر دو دوره است. همچنین، استفاده از ریز نقش‌های گیاهی در زمینه، همانند نمونه‌های ردیف ۱، از دیگر شباهت‌های تصویری کتیبه‌های نستعلیق مساجد این دو دوره است. سنت رایج ترسیم قاب (نمونه ساده صفوی، سمت راست)، با تنوع اغراق شده‌ای در طرفین قاب (چنان که در تصویر سمت چپ دیده می‌شود)، به نقوش زیبایی‌آلود و دهان‌آزدری زرد رنگ متصل شده است. به‌کارگیری این قاب پر نقش و نگار در کتیبه‌نگاری قاجاری را نیز می‌توان از ابداعات فرمی این دوره دانست. نمونه قاجاری ردیف ۵ نیز از این تحول فرمی بی‌نصیب نبوده است.</p>		
 <p>اطراف صحن مسجد رکن‌الملک، ۱۳۲۴ هـ.ق</p>	 <p>انتهای صفا استاد، مسجد جامع، ۱۱۱۲ هـ.ق</p>	۸
<p>استفاده از نقوش پرکار گیاهی پیمان در زمینه قاب‌بندی‌ها، از مشابهت‌های نمونه‌های صفوی و قاجار است. در این مورد باید گفت که کمیت نمونه‌های قاجار نسبت به صفوی بیشتر است. همچنین تنوع رنگی آن نیز نسبت به نمونه‌های صفوی، چشمگیرتر است. استفاده از رنگ آبی به جای لاجورد در زمینه، از دیگر نوآوری‌های فرمی قاجاری محسوب می‌شود.</p>		
<p>کتیبه چوبی واقع در دستاویزهای طبقه دوم ورودی مدرسه چهارباغ، از نمونه‌هایی است که مشابه قاجاری آن در پژوهش حاضر یافت نشد.</p>	 <p>هشتی ورودی مسجد - مدرسه چهارباغ، ۱۱۱۹ هـ.ق</p>	۹
<p>کتیبه صفوی پیش رو، نمونه‌ای منحصر به فرد از نظر اجرا در دوره صفوی است. کاشی خشتی دقیقاً به شکل قاب ترنج بازوبندی مورد نظر برش خورده (یا قالب‌گیری شده) است. در دوره قاجار نمونه مشابه آن دیده نمی‌شود.</p>	 <p>سردر مسجد - مدرسه علیقلی آقا، ۱۱۲۲ هـ.ق</p>	۱۰
 <p>طرفین ایوان جنوبی مسجد سید، ۱۲۵۵ هـ.ق</p>	<p>در این نمونه قاجاری، قاب‌بندی ترنج کشیده (نسبت ۴ به ۱) با لچکی‌های رنگ‌آمیزی شده به رنگ سبز در اطراف قاب‌بندی دیده می‌شود، که هیچ‌یک از این دو ویژگی در نمونه‌های مشابه صفوی یافت نشد.</p>	

ادامه جدول ۲.

 <p>سردر مسجد رضوان (کرمانی)، ۱۳۲۹ هـ.ق</p>	<p>کاشی خشتی به شیوه زیرلعابی، با رنگ سبز در اطراف قاب بندی و تناسب کمتر از حد معمول طول به عرض قاب (ترنج فشرده) که باز هم هیچ یک از این سه ویژگی، در نمونه های صفوی دیده نشده است. رنگ آبی زمینه قاب (مشابه نمونه قاجاری ردیف ۸) نیز ویژگی دیگری است که فقط در نمونه های قاجاری رویت شد.</p>	۱۲
 <p>سردر جنوب شرقی مسجد سید، ۱۳۱۱ هـ.ق</p>	<p>رنگ آمیزی آبرنگی (سایه روشن / پرداز) برای تزئین فضای اطراف قاب بندی، خصوصاً در رنگ صورتی، از ویژگی های تصویری دیگری است که در دوره قاجار به کار رفته و نمونه مشابه صفوی ندارد.</p>	۱۳
<p>استفاده از گچ برای کتیبه نگاری نستعلیق در مساجد صفوی اصفهان، که نمونه مشابه قاجاری آن رویت نشده است.</p>	 <p>شبستان جنوبی مسجد جامع</p>	۱۴
 <p>سردر مسجد صفا، ۱۲۸۹ هـ.ق</p>	<p>ترکیب رنگی به کار رفته در این کتیبه (متن سیاه بر زمینه زرد) نیز از آن دسته ویژگی های بصری است که هنرمندان عهد صفوی در تزئینات کتیبه نگاری نستعلیق مساجد، از آن استفاده نکرده اند.</p>	۱۵

نتیجه

کتیبه‌های این دوره در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است که بررسی دلایل آن نیز در مجال و تخصص این نوشتار نیست. از این هنرمندان که نام آنها در کتیبه‌های نستعلیق ذکر شده است، می‌توان استاد حسن بن استاد علی، استاد آقاجان کاشی پزواستاد معصوم را نام برد. نمونه آثار استاد آقاجان هم در مسجد سید و هم در مسجد صفا به یادگار مانده است. استفاده از کاشی خشتی هفت رنگ که در دوره صفوی کاملاً رواج یافته بود، در دوره قاجار به ثبات کاملی دست یافت و به جز تعدادی محدود، غالب کتیبه‌ها و به ویژه کتیبه‌های نستعلیق به این شیوه اجرا شده‌اند. در مقایسه با کتیبه‌نگاری نستعلیق دوره صفوی، نسبت استفاده از کاشی هفت‌رنگ در کتیبه‌ها به شدت افزایش یافته است. در آثار به جای مانده از دوره صفوی در اصفهان، غلبه با حجاری و گچ‌بری است، در حالی که در دوره قاجار، کاشی هفت رنگ با اختلاف چشمگیری در صدر است. در نمونه‌های مورد پژوهش، فقط ۲ مورد حجاری، ۱ مورد کاشی معرق و ۱ مورد کاشی برجسته اجرا شده و بقیه کاشی خشتی است. برخی از شیوه‌های اجرایی رایج در کتیبه‌نگاری نستعلیق دوره صفوی، مثل: خاتم، منبت، گچ‌بری و قلم‌زنی؛ در مساجد دوره قاجار اصفهان به چشم نمی‌خورد. از طرفی، کاشی برجسته که نمونه نستعلیق صفوی آن دیده نشده را می‌توان در محراب مسجد سید مشاهده نمود که در واقع منحصر به فردترین شیوه اجرای این پژوهش است.

علی‌رغم تأثیرپذیری کتیبه‌نویسی نستعلیق قاجار از صفویه، می‌توان دو مورد را در دوره قاجار نسبت به نمونه‌های مشابه صفوی متمایز دانست و در شمار نوآوری‌های این دوره به شمار آورد: مورد اول، کتیبه کاشی خشتی حاوی تصویر رکن‌الملک است که کتیبه نستعلیق ظریفی را در خود جای داده است. چنین کتیبه کاشی ظریفی نه تنها در دوره صفوی که در همین دوره قاجار هم نمونه مشابهی ندارد. نمونه دوم، کتیبه طولانی اطراف صحن مرکزی مسجد رکن‌الملک است که تزیینات پس‌زمینه آن تا حد اغراق پیش رفته است. تزییناتی از این دست نیز مشابه صفوی و قاجار ندارند. زمینه قاب‌بندی‌ها با نقوش گیاهی پیچان با تنوع رنگی زیاد اجرا شده است که در نوع خود منحصر به فرد است.

با بررسی کتیبه‌های مورد بحث، براساس موارد مختلفی که در دو جدول فوق ذکر گردیده است، می‌توان مطالب زیر را درباره کتیبه‌نگاری نستعلیق در مساجد دوره قاجار اصفهان بیان کرد: با توجه به روش آموزش استاد - شاگردی، تأثیر شیوه خوشنویسی مکتب اصفهان در کتیبه‌های قاجاری اصفهان قابل‌ردیابی است. شیوه نگارش اساتید این دوره، متأثر از شیوه پیروان میرعماد مخصوصاً محمد صالح اصفهانی است. این تأثیر در کتیبه مسجد سید (۱۲۵۵ ه.ق) به خط محمدباقر سمسوری و مقایسه آن با کتیبه‌های مدرسه چهارباغ (۱۱۱۸ و ۱۱۱۹ ه.ق) به خط محمد صالح اصفهانی کاملاً مشهود است. قوت قلم، فرم قاب‌بندی و رنگ‌بندی کتیبه (سفید بر لاجورد) کاملاً با هم تطابق دارد. در بین خوشنویسان و کاتبان، تعداد محدودی در کتیبه‌نگاری نستعلیق نیز فعال بوده‌اند. محمدباقر سمسوری، عبدالرحیم افسر، فتح‌الله جلالی، طرب بن هما، اسدالله رجالی و عبدالجواد خطیب، به اختصار در ابتدای این پژوهش معرفی شده‌اند ولی از احوال حسن خان، خوشنویس مسجد رحیم خان و محمد تقی، خوشنویس مسجد صفا، اطلاعاتی به دست نیامد.

در مساجد بررسی شده، مسجد سید و مسجد رکن‌الملک هر کدام با دربرداشتن ۱۱ کتیبه نستعلیق با هم برابری می‌کنند. البته از نظر تعداد ابیات نگاشته شده، مسجد رکن‌الملک بیشترین تعداد را در خود جای داده است. مساجد صفا، کرمانی و رحیم خان نیز هر کدام با ۱ کتیبه، در زمره مساجد نستعلیق دار اصفهان به شمار می‌روند. از کتیبه ۱۲۵۵ ه.ق مسجد سید و ۱۲۸۹ ه.ق مسجد صفا که بگذریم، کتیبه نستعلیق تاریخ‌دار دیگری در مساجد اصفهان در قرن ۱۳ ه.ق دیده نمی‌شود. این موضوع، نشان‌دهنده رکود قابل‌تأمل کتیبه‌نگاری نستعلیق در سده سیزدهم هجری است. البته، این روند کند، با تراکم شدیدی در ربع اول قرن ۱۴ ه.ق مواجه می‌شود که در واقع اوج استفاده در کتیبه‌نگاری نستعلیق در مساجد اصفهان است. وجود ۱۸ کتیبه تاریخ‌دار نستعلیق در بازه زمانی ۲۵ ساله، نه تنها در مساجد دوره قاجار، بلکه در هیچ یک از دوره‌های تاریخی دیگر هم دیده نمی‌شود. نام و شرح حال بسیاری از کاشی‌سازان و کاشی‌تراشان

پی‌نوشت‌ها

به وسیله حجت‌الاسلام حاج سید محمد باقر شفتی بیدآبادی (۱۱۷۵-۱۲۶۰) (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲، ۱۹۲) از روحانیون بزرگ امامیه اصفهان معروف به سید (هنرفر، ۱۳۷۶، ۱۵۵) و از مراجع عالی‌قدر شیعه در اواخر قرن سیزدهم هجری ساختمان آن شروع شده و کاشی‌کاری آن تا پایان نیمه دوم آن قرن ادامه داشته است. در کتیبه‌های این بنا، به‌آثاری از محمد باقر شریف، اسدالله

۱ Post Stratification: در این روش پس از جمع‌آوری داده‌ها اقدام به طبقه‌بندی می‌شود که بر این اساس می‌توان جامعه آماری را از چند جهت دسته‌بندی نمود.

۲ مسجد سید که در محله و جنب بازارچه بیدآباد واقع شده، از بزرگ‌ترین و مشهورترین مساجد اصفهان در دوره سلطنت محمد شاه قاجار است که

دانشگاه هنر اصفهان، سال اول، شماره ۲، صص ۱-۱۶.

بهپور، باوند (۱۳۸۴)، کتیبه‌نگاری در دوره قاجار، بررسی کتیبه‌های هشت بنای دوره قاجاریه در شیراز و اصفهان، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، صص ۸۳-۹۲.

بیانی، مهدی (۱۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان، چاپ دوم، علمی، تهران. جباری، صداقت (۱۳۸۷)، تکوین و تطور قلم نستعلیق در سده هشتم و نهم هجری قمری، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۳۳، صص ۷۷-۸۴.

حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۷۵)، گنج‌نامه فرهنگ آثار معماری اسلامی، دفتر دوم: مساجد اصفهان، مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی و شرکت توسعه فضاهای فرهنگی وابسته به شهرداری تهران، تهران. خسروی بیژانم، فرهاد (۱۳۸۶)، نستعلیق در کتیبه‌های مکتب اصفهان با تکیه بر آثار محمد صالح اصفهانی، مجموعه مقالات خوشنویسی گردهمایی مکتب اصفهان، صص ۱۰۱-۱۲۱، فرهنگستان هنر، تهران.

خسروی بیژانم، فرهاد (۱۳۹۲)، تحولات مضمونی و ساختاری کتیبه‌های نستعلیق در بقاع متبرکه دوره صفوی، مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی امامزادگان، جلد دوم، صص ۵۸۹-۶۱۳، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران.

دادمهر، منصور (۱۳۷۸)، سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان، گلها، اصفهان. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲)، آثار ملی اصفهان، انجمن آثار ملی، تهران. عابدین پور، وحید. سمائی، معصومه (۱۳۸۹)، علل تحول خوشنویسی و پیوند آن با هویت ایرانی در دوره تیموری، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، شماره ۸، صص ۵۵-۸۶.

فضالی، حبیب‌الله (۱۳۶۲)، اطلس خط، چاپ دوم، مشعل، اصفهان. قدسی، منوچهر (۱۳۷۸)، خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان، گلها، اصفهان. قلیچ خانی، حمیدرضا (۱۳۷۳)، فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته، روزنه، تهران.

قلیچ خانی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، درآمدی بر خوشنویسی ایرانی، فرهنگ معاصر، تهران.

قمی، قاضی احمد (۱۳۸۳)، گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، چاپ چهارم، منوچهری، تهران.

ماهرالنقش، محمود (۱۳۸۶)، مسجد سید اصفهان، مولف، تهران.

مکی نژاد، مهدی (۱۳۸۶)، طبقه‌بندی کتیبه‌ها در معماری دوره صفوی، مجموعه مقالات خوشنویسی گردهمایی مکتب اصفهان، صص ۸۵-۹۹، فرهنگستان هنر، تهران.

مهدوی، سید مصلح‌الدین (۱۳۴۴)، تذکره شعرای معاصر اصفهان، تأیید، اصفهان.

نصرتی، مسعود (۱۳۸۰)، کتیبه‌های قرآنی و تاریخی مسجد سید اصفهان، ماهنامه گلستان قرآن، شماره ۸۸، صص ۲۲-۲۶.

هنر فر، لطف‌الله (۱۳۵۰)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، چاپ دوم، ثقفی، اصفهان.

هنر فر، لطف‌الله (۱۳۷۶)، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، چاپ چهارم، اصفهان، گلها.

رجالی و عبدالجواد خطیب برخوردار می‌کنیم (حاجی قاسمی، ۱۳۷۵، ۱۰۴).
 ۳ مسجد رکن‌الملک، مهم‌ترین مسجد در مزار تخت فولاد است که در حدود سال ۱۳۲۰ ه. ق به وسیله میرزا سلیمان خان رکن‌الملک شیرازی؛ نایب‌الحکومه اصفهان در زمان ظل‌السلطان، در ابتدای تخت فولاد بنا گردیده است (هنر فر، ۱۳۵۰، ۸۰۵). مسجدی است دو ایوانی که کتیبه‌های نستعلیق بسیاری در گوشه و کنار آن به چشم می‌خورد.
 ۴ مسجد ملاحسین کرمانی یا مسجد رضوان، مسجد کوچکی است که در محله گلبهار اصفهان، جنب سرای ساروتقی قرار گرفته است و تزیینات کاشی‌کاری آن گستردگی و تنوع چندانی ندارد. با این وجود، کتیبه سردر ورودی آن، جذاب و چشم‌نواز است.
 ۵ مسجد رحیم خان در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۷۷ با شماره ثبت ۲۱۲۴ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده و بعد از مسجد سید، بزرگ‌ترین مسجد قاجاری اصفهان است. این مسجد در ابتدای محله نوی شیرازی‌ها و متصل به محله درب‌کوشک قرار گرفته است (دادمهر، ۱۳۷۸، ۱۴۴). ساخت این مسجد در سال ۱۲۹۰ ه. ق شروع شده و در سال ۱۳۰۴ ه. ق به پایان رسیده است (هنر فر، ۱۳۵۰، ۷۹۶). از خوشنویسان کتیبه‌های این بنا می‌توان به: محمد باقر شیرازی و حسن خان اشاره کرد.
 ۶ در محله شهشهان (در پشت) در مجاورت بقعه شهشهان، مسجد زیبایی وجود دارد که به مسجد صفا معروف است (دادمهر، ۱۳۷۸، ۱۴۷). این مسجد در زمان قاجار ساخته شده و بانی آن محمد علی گلستانه است (هنر فر، ۱۳۷۶، ۱۵۶؛ رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲، ۷۱۰).

فهرست منابع

القرآن الکریم (۱۴۰۳)، الطبعة الثالثة، دار الفجر الاسلامی، دمشق.
 آزند، یعقوب (۱۳۸۳)، خوشنویسی در قلمرو مکتب هرات: دوره پیشین، با تأکید بر قلم نستعلیق، کتاب ماه هنر، شماره‌های ۶۹ و ۷۰، صص ۲۴-۳۶.
 امیرخانی، غلامحسین (۱۳۷۴)، آداب الخط امیرخانی، چاپ سوم، انجمن خوشنویسان ایران، تهران.
 اوکین، برنارد (۱۳۸۶)، معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
 ایران‌پور، امین و شیرازی، علی اصغر (۱۳۹۲)، ارتباط دست برتری با مبانی حرکتی در خط نستعلیق، فصلنامه نگر، شماره ۲۸، صص ۱۵-۲۶.
 بخاری، درویش محمد بن دوست محمد (۱۳۷۳)، فوائد الخطوط، در کتاب: رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته، به کوشش حمیدرضا قلیچ‌خانی، صص ۳۰۵-۳۹۸، روزنه، تهران.
 بختیاری، جواد (۱۳۶۴)، جوهره و ساختار هندسی خط نستعلیق، فصلنامه هنر، شماره ۹، صص ۱۳۰-۱۴۵.
 بمانیان، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی نقوش کاشی‌کاری دو مسجد مدرسه چهارباغ و سید اصفهان، دوفصلنامه مطالعات تطبیقی